

نگاهی آسیب‌شناختی به تراجم نویسی اسلامی؛ بررسی موردی دوانگاری یک شخصیت

علی حسن‌بگی^۱، عبدالله متولی^۲

(دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۸، پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، نگاهی آسیب‌شناختی به تراجم‌نویسی اسلامی؛ با تمرکز بر بررسی موردی دو انگاری یک شخصیت است. دو انگاری یک شخصیت، یکی از آسیب‌های نوشته‌های رجالی و تراجم‌نگاری‌ها به‌شمار می‌آید که احتمالاً با نگرشی سهل‌انگارانه در برخی از نوشته‌های تراجم‌نویسان گنجانده شده است. در این میان آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی، یکی از چهره دینی عصر، از کسانی است که در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» و «اعیان الشیعه» در زمره دو انگاری قرار گرفته است. تراجم نویسانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی و علامه محسن امین، شرح زندگی او را در تراجم خود آورده‌اند. از این‌روی، سوال اصلی پژوهش این است که آیا آقا بزرگ تهرانی و علامه محسن امین در بررسی و تدوین شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی با دوانگاری شخصیت روبه‌رو شده‌اند؟ نتایج بررسی‌های انتقادی نشان داد که علامه محسن امین و آقا بزرگ تهرانی با اثرپذیری برخی از اطلاعات پیشینی و قراین غیر منطقی، در ذکر تحولات زندگی آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی گرفتار دو انگاری شده و شرح احوال دو نفر را ذکر کرده‌اند، در حالی که در عینیت تاریخی یک شخصیت واقعی با چنین مشخصاتی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: آخوند ملا ابوطالب، سلطان آباد، اعیان الشیعه، طبقات اعلام الشیعه.

۱. دانشیار گروه الهیات دانشگاه اراک، a.hasanbagi@araku.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، a.motevaly@gmail.com

بیان مسأله

مسلمانان از اواسط قرن دوم به بعد به تدوین دانش‌هایی از قبیل تفسیر، اصول فقه، حدیث و تاریخ اقدام کردند. در ابتدا دانش‌های مذکور به طور دقیق از یکدیگر تفکیک نشده بود؛ برای نمونه، تاریخ در بستر دانش حدیث شکل گرفت و مورخان همچون محدثان با ذکر سلسله سند به نقل و گزارش رویدادها می‌پرداختند. دانش رجال و تراجم نیز در ذیل دانش تاریخ طبقه‌بندی و بعدها این دو دانش از تاریخ جدا شدند و هر یک هویتی مستقل گرفتند. دو دانش مذکور با وجود شکوفایی و خدماتی که به علوم حدیث، فقه و تفسیر داشتند دچار آسیب‌هایی شدند؛ یکی از آسیب‌های مهم در این دو دانش، اشتراک لفظی یا هم‌نامی است. عالمان دانش رجال و تراجم نویسان در این باره تلاش کردند تا از آسیب مذکور جلوگیری کنند؛ لذا بحثی در رجال با عنوان «تمیز مشترکات» مطرح گردید تا با ارائه راهکارهایی از آسیب مذکور بکاهند. آسیب دیگری که کمتر به آن توجه شده، دو معرفی از یک شخصیت است. این نوشتار در صدد است با بررسی در شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی، مشخص کند آیا آسیب اخیر در شرح حال نگاری این شخصیت روی داده است. گفتنی است تا کنون در این باره پژوهشی مستقل ارائه نشده است.

زیست‌نامه آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی

آخوند ملا ابوطالب بن غفور بن شرف علی بن احمد گلپایگانی آستانه‌ای (۱۳۲۹-۱۲۵۰ق)^۱ از شاگردان شیخ انصاری است. او در سال ۱۲۹۱ق جزء اولین کسانی بود که راهی سامرا و در درس میرزای شیرازی حاضر شد. میرزا حسین نوری از معاصران آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی، از وی به عنوان یکی از نیکان عالمان و گزیده پرهیزکاران یاد کرده است (نوری، ۳۱۰/۲). ملا ابوطالب پس از تکمیل علوم دینی در سامرا در سال ۱۳۰۵ق به سلطان آباد (اراک) بازگشت و مرجع اهالی گردید و در رویداد رژی و مساله تحریم تنباکو از موضع و فتوای استاد خویش میرزای شیرازی دفاع کرد. وی تا پایان عمر در مدرسه سپهداری به تدریس علوم دینی اشتغال داشت و در نهایت به سال

۱. گفتنی است برخی از دائرةالمعارف نویسان به اشتباه، فوت آخوند ملا ابوطالب را حدود ۱۳۲۰ق ذکرده‌اند (مجمع الفکر الاسلامی، ۴۳۱/۱). برخی نیز با تصریح به پدر آخوند ملا ابوطالب (ملاغفور)، سال فوت را همان حدود ۱۳۲۰ق نوشته‌اند (امینی، ۶۷۹/۲).

۱۳۲۹ق در همان سلطان آباد از دنیا رفت. مقبره او اکنون در پارک شهر (دروازه شهر جرد اراک) واقع شده است. شرحی بر *نجات العباد*، رساله‌ای در امامت و حواشی بر رسائل و مکاسب شیخ انصاری از وی بر جای مانده است. (صدر، ۳۳۶/۵؛ محسن امین، ۳۰۸/۵؛ حسن امین، ۱۲/۶؛ شریف رازی، *آثار الحجة*، ۱۲۷/۲؛ دهگان، *گزارشنامه*، ۲۸؛ استادی، ۳۹)^۱

بررسی دو آسیب مهم در رجال‌نویسی و تراجم‌نگاری اسلامی

وجود چهره‌های مختلف دینی و علمی، در گستره تاریخ اسلام و در پهنه جغرافیایی جهان اسلام باعث شد تا برخی عناصر علمی در صدد جمع‌آوری و تدوین شرح حال این چهره‌ها برآیند. دستاورد عملی این افراد در قالب شرح رجال و کتب تراجم در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت؛ اما در این میان چنین دستاوردهایی خالی از اشتباه نبودند. در ادامه با نگرشی آسیب‌شناختی به دو ایراد جدی‌ای اشاره می‌شود که ممکن است در برخی از این نوشته‌ها راه یافته باشد.

الف - اشتراک لفظی یا هم‌نام‌پنداری

اشتراک لفظی و هم‌نامی یکی از آسیب‌های دانش تراجم و رجال به‌شمار می‌آید که در آن، ویژگی‌های یک شخصیت تاریخی را به دیگری نسبت می‌دهند. این اشتباه، بیشتر متأثر از هم‌نام بودن برخی شخصیت‌ها در طول تاریخ بوده است. در حالی که ممکن است گردآورندگان شرح احوال، تفاوت زمانی دو شخصیت را مورد توجه قرار نداده، در نتیجه ویژگی‌ها و شرح احوالات فردی را برای دیگری لحاظ کرده باشند. در ادامه برخی از این اشتباهات به صورت مستند به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱. شیخ طوسی در شرح حال حجاج بن ارطاة می‌نویسد: «حجاج بن ارطاة کنیه‌اش ابوارطاة، از قبیله نخع و کوفی الاصل بود که در زمان امام باقر(ع) در شهر «ری» از دنیا رفت (طوسی، ۱۳۳).^۲ همچنین شیخ طوسی از او به عنوان یکی از اصحاب امام صادق(ع) یاد کرده است (همو، ۱۹۲). به نظر می‌رسد در کلام مذکور تناقضی وجود دارد؛ زیرا اگر

۱. صدر، *تکملة أمل الآمل*، ج ۵، ص ۳۳۶؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۵، ص ۳۰۸؛ امین، *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۱۲؛ رازی، *آثار الحجة*، ج ۲، ص ۱۲۷؛ دهگان، *گزارشنامه* ...، ص ۲۸؛ استادی، شرح *احوال آیت الله العظمی اراکی*، ص ۳۹.

۲. حجاج بن ارطاة، ابو ارطاة النخعی الکوفی مات بالرّی فی زمن ابی جعفر(ع).

راوی مذکور در زمان امام باقر(ع) از دنیا رفته است، چگونه او را از اصحاب امام صادق(ع) شمرده اند؟! بر این پایه بعید نیست که منظور از «ابی جعفر» منصور خلیفه عباسی بوده و جمله «علیه السلام» از سوی ناسخان افزوده شده است (حسن بگی، آسیب شناسی نقد و تحلیل تاریخ، ص ۵۴ به نقل از: خوبی، ۲۱۱/۵).

به نظر می‌رسد از آن جا که «ابوجعفر» کنیه مشترک میان دو شخصیت معروف؛ یکی امام باقر (ع) و دیگری منصور خلیفه عباسی است، ناسخ پس از ابوجعفر، «علیه السلام» را افزوده است؛ غافل از این که تاریخ بغداد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع شرح حال اوست، تصریح می‌کند که راوی مذکور (حجاج بن ارطاة) در زمان خلافت منصور عباسی در شهر «ری» از دنیا رفته است (خطیب بغدادی، ۲۲/۸). در این باره یکی از محققان دانش رجال می‌گوید: جمله «علیه السلام» در عبارت رجال شیخ طوسی زاید است و منظور از ابی جعفر، ابی جعفر، منصور دوانیقی است و مصدری که شیخ طوسی این مطلب را از آن اخذ کرده، تصریح دارد که این شخص در زمان ابی جعفر منصور وفات کرده است و چون شیخ طوسی، حجاج بن ارطاة را جزء اصحاب امام باقر ذکر کرده است، ناسخ وی را با امام اشتباه گرفته و «علیه السلام» را عمداً یا برحسب عادت اضافه کرده است (حسن بگی، آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ، ۵۴ به نقل از: شبیری زنجانی، ۲۴۳/۳).

۲. «معروف»: تشابه اسمی، «معروف کرخی» (از اقطاب صوفیه) با «معروف بن خربوذ» (از شاگردان برجسته امام صادق) سبب گردیده که برخی معروف کرخی را از شاگردان امام صادق(ع) بدانند (شرف الدین، ۱۱۷-۱۱۸؛ طهرانی، ۵۱۶) و حتی برای این که فرقه تصوف را به تشیع مرتبط سازند، ادعا می‌کنند که معروف کرخی، خدمت امام صادق(ع) رسیده است (تابنده، ۴۸؛ حسن بگی، گنابادیه، ۸۲).

۳. «جنید»: به دلیل تشابه اسمی میان جنید (از یاران امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) با جنید بغدادی از اقطاب صوفیه، برخی از صوفیه می‌پندارند که جنید بغدادی از یاران امامان(ع) بوده است (شیرازی، ۳۸۹/۲)؛ در صورتی که جنید بغدادی با آن بزرگواران، ارتباطی نداشته است (حسن بگی، گنابادیه، ۸۶-۸۴).

۴. «جعفر بن محمد»: تشابه اسمی میان جعفر بن محمد (امام صادق) و جعفر بن محمد بلخی سبب گردیده که یکی از نویسندگان عرب، امام صادق(ع) را متخصص در فال بینی معرفی کند (بستانی، ۴۶۸/۶، به نقل از: اسد حیدر، ۱/ ۴۶۸)؛ در صورتی که جعفر بن محمد بلخی، متخصص فال بینی است و «ابن کثیر» هم به نکته مذکور اشاره کرده است (ابن کثیر، ۵۱/، به نقل از: اسد حیدر، ۶۴/۱).

۵. «شیخ عبدالله مازندرانی»: برخی از نویسندگان برای این که ارتباط میان «صوفیه نعمت‌اللهیه» را با انگلیسی‌ها اثبات کنند، مدعی هستند که «شیخ عبدالله مازندرانی» (از مشایخ صوفیه نعمت‌اللهیه) یکی از حقوق‌بگیران انگلیس بوده است (مدرسی چهار دهی، ۲۹۳؛ واحدی، ۲۱۲؛ خسرو پناه، ۴۴۶)؛ در حالی که شیخ عبدالله مازندرانی که ادعای حقوق‌بگیری او از انگلستان شده است، با شیخ عبدالله مازندرانی (از مشایخ صوفیه نعمت‌اللهیه) تفاوت دارد (حسن بگی، گنابادیه، ۱۶۰-۱۶۲).

۶. «ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی»: در شرح حال او نوشته‌اند: ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی معروف به امام الحرمین، یکی از بزرگترین فقیهان شافعی مذهب در خراسان بود. او متکلمی اشعری و استاد غزالی بود. خواجه نظام الملک، نظامیه نیشابور را برای وی ساخت. او در سال ۴۱۹ هجرت متولد و در سال ۴۷۸ هجرت از دنیا رفت و کنار پدرش در «مقبره الحسین» دفن شد (ابن خلکان، ۸۰/۲-۸۱). گفتنی است، نویسنده «ریحانة الادب» درباره محل دفن ابوالمعالی جوینی می‌نویسد: «در دیه بشتنقان در یک فرسخی نیشابور در گذشت، جنازه‌اش به نیشابور حمل و در خانه خودش دفن شد و به نوشته ابن خلکان بعد از چند سال بیرونش کرده و بکربلای معلی نقل داده و در نزد پدرش دفن نمودند» (مدرس تبریزی، ۱۷۱/۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابوالمعالی جوینی از عالمان اهل سنت بوده و در میان آنان انتقال جنازه‌ها به عتبات مرسوم نبوده است. از سوی دیگر، ابن خلکان درباره محل دفن ابوالمعالی جوینی سخنی از کربلا نیاورده است، بلکه نوشته است که او را در مقبره الحسین دفن کردند. مراجعه به شرح حال برخی از عالمان نیشابوری نشان می‌دهد که مقصود از «مقبره الحسین»، مقبره «حسین بن معاذ» یکی از قبرستان‌های نیشابور است که تعدادی از عالمان در آنجا دفن شده‌اند (حسن بگی، «رهزنی اشتراک لفظی»، ص ۲۳۱-۲۳۳).

ب- دوانگاری یک شخصیت تاریخی

دوانگاری یک شخصیت تاریخی از دیگر آسیب‌های نوشته‌های رجالی و تراجم‌نگاری‌ها محسوب می‌شود. در این میان، موضوع مورد بررسی این نوشتار، بررسی شخصیت آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی در کتاب «طبقات اعلام الشیعه» و «اعیان الشیعه» است. نویسندگان این دو مجموعه رجالی، شخصیت آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی را دو نفر تلقی کرده و بر همین اساس دو شرح حال متفاوت از او ارائه داده‌اند. در حالی که ملا ابو

طالب سلطان آبادی، شاگرد میرزای شیرازی بوده که مدت‌ها در مدرسه سپهداری (حاج آقا محسن سلطان آباد عراق) به تدریس و قضاوت در میان مردم اشتغال داشته، یک تن بیشتر نبوده است. بنابراین، به‌منظور روشن شدن ادعای مذکور، نخست پیشینه موضوع، سپس شرح حال موجود در طبقات اعلام الشیعه و اعیان الشیعه مورد کندوکاو و ارزیابی انتقادی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه دو انگاری شخصیت سلطان آبادی

به احتمال زیاد، اولین تراجم‌نگاری که از ملا ابوطالب سلطان‌آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ ق سخن گفته مرحوم سید حسن صدر است^۱ او می‌نویسد: «آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی از شاگردان طبقه اول میرزای شیرازی در نجف بود. او در سال ۱۲۹۱ ق همراه میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت می‌کند. او بعدها به سلطان آباد وطن خویش باز می‌گردد. علامه نوری (میرزا حسین نوری) در «دارالسلام» از او یاد کرده است. میرزای نوری درباره او می‌نویسد: عالم فاضل، پرهیزکار صالح، پاک‌زیست تیز هوش، آخوند حاج ملا ابوطالب سلطان آبادی که مدتی مجاور نجف اشرف بود و خداوند او را حفظ کند، گفتنی است او از نیکان عالمان و گزیده پرهیز کاران و مورد اعتماد آنان بود به من خبر داد...؛ آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی در مدرسه حاج آقا محسن (مدرسه سپهداری) تدریس می‌کرد و به اقامه نماز جماعت می‌پرداخت تا این که در حدود ۱۳۲۰ ق از دنیا رفت. او دارای تألیفاتی بود» (میرزا حسین نوری، ۳۱۰/۲؛ صدر، ۳۰۹/۶).

۱. تکمله امل لآمل نوشته صدر، پیش از طبقات اعلام الشیعه و اعیان الشیعه نگاشته شده و طبقات اعلام الشیعه نیز پیش از اعیان الشیعه نگاشته شده است. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۴۴۷/۱۳؛ محسن امین، ۱۴/۱). اکنون معلوم نیست نویسنده تکمله امل لآمل بر چه اساس از ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ ق سخن گفته است. لازم به یاد آوری است تراجم‌نگاری در حاشیه کارهای مرحوم صدر بوده است در نتیجه اشتباهاتی از این قبیل، عادی است.

۲. الحاج مولی ابوطالب السلطان آبادی: من الطبقة الأولى، من تلامذة السيد الأستاذ أيام كان في النجف قبل هجرته إلى سامراء، و هاجر معنا سنة إحدى و تسعين، و هي سنة هجرة السيد الأستاذ، ثم رجع إلى وطنه، و بقي هناك. و كان من العلماء الصلحاء الأبرار. ذكر العلامة النوري (ره) في دار السلام ما هذا لفظه: حدثني العالم الفاضل، التقى الصالح، الزكي الأعمى، الحاج مولی أبو طالب السلطان آبادی المجاور في المشهد الغروي - حفظه الله تعالى - و هو من خيار أهل العلم، و عمدتهم، و زبدة الأتقياء و سندهم .. إلى آخر الكلام و كان يدرّس في مدرسة السيد العالم الحاج آقا محسن السلطان آبادی و يصلى فيها بأهل البلد حتى توفى في العشر الثاني بعد الثلاثمائة و الألف. و له مصنفات.

۲- شرح احوال دو گانه سلطان آبادی در طبقات اعلام الشیعه

پس از سید حسن صدر، شیخ آقا بزرگ با حذف بخش‌هایی از شرح حال ارایه شده از طرف او، همان مطالبی که سلطان آبادی را متوفای ۱۳۲۰ق معرفی کرده است، در طبقات اعلام الشیعه می‌آورد. شیخ آقابزرگ طهرانی درباره ملا ابوطالب سلطان آبادی، بدون نام بردن از پدر و فرزندان، و ذکر تقریبی فوت او، می‌نویسد: «آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق است. او یکی از عالمان بزرگ، فقیهان جلیل‌القدر و زاهدان متقی بود. او مدتی در نجف شاگرد میرزای شیرازی بود. بعدها در درس میرزای شیرازی در سامرا شرکت کرد. استاد و شیخ ما میرزا حسین نوری در دارالسلام از او به علم، تقوی، صلاح، پاکی و تیزهوشی یاد کرده است و می‌گوید آخوند ملا ابوطالب از نیکان عالمان و گزیده پرهیزکاران و مورد اعتماد آنان بود. او بعدها در زمان حیات استادش میرزای شیرازی به وطنش بازگشت و به انجام وظائف شرعی خویش پرداخت. او در مدرسه حاج آقا محسن (مدرسه سپهداری) به امامت جماعت پرداخت. وی پیش عوام و خواص مورد اعتماد بود تا اینکه در حدود سال ۱۳۲۰ق از دنیا رحلت کرد. سید حسن صدر در «تکملة امل الامل» از تألیفات او در فقه و اصول یاد کرده است. آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی اصالة کزازی بود. او شرحی بر قسمت کتاب الطهارة نجات العباد که هم اکنون موجود است نگاشته است» (شیخ آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۴۸/۱۳).^۱ شیخ آقابزرگ پس از معرفی آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق به معرفی هم‌نام او نیز می‌پردازد و با ارائه اطلاعات دقیق‌تری درباره محل تولد، فرزند و تعیین سال فوت و در اختیار قرار داشتن شرح نجات العباد او نزد یکی از نوادگانش می‌نویسد: «آخوند ملا ابوطالب از عالمان فاضل و نویسندگان بود. او به حاج آخوند معروف بود. آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی در آستانه^۲ یکی از

۱. الشیخ المولی ابو طالب السلطان آبادی ... قبل ۱۳۲۰ کان من العلماء الاعلام و الفقهاء الاجلاء و الاتقیاء الزهاد تلمذ علی المجدد الشیرازی مدة فی النجف و مثلها فی سامراء قال شیخنا العلامة النوری فی «دار السلام». بعد وصفه بالعالم الفاضل التقی الصالح الزکی الالمعی. انه من خیار أهل العلم و عمدهم و زبده الاتقیاء و سندهم الی آخر ما وصفه به رجع المترجم له الی وطنه فی حیاة المجدد فقام بالوظائف الشرعیة و ولی التدریس فی مدرسة الحاج آغا محسن العراقی و الامامة فی مسجده و کان موجها مؤثقا عند العامة و الخاصة الی ان توفی قبل (۱۳۲۰) و له تصانیف فی الفقه و الاصول ذکرها سیدنا فی (التکملة) أقول کان أصله من کزاز و له شرح (نجات العباد) الموجود مجلد طهارته.

۲. یادآوری این نکته لازم است طبق تقسیمات دوره قاجار تمامی روستاهای جنوب سلطان آباد (اراک) ←

روستاهای سلطان آباد عراق متولد شد. شیخ صفر علی عراقی^۱ سال فوت او را ۱۳۲۹ق اعلان کرد. او حاشیه‌ای استدلالی بر همه نجات‌العباد نگاشت. این حاشیه هم اکنون در اختیار نوه‌اش شیخ یحیی - که در قم به تحصیل اشتغال دارد- است» (همو، ۱۳/ ۴۸)^۲.

۳- دو انگاری شخصیت سلطان آبادی در اعیان الشیعه

سید محسن امین به تبعیت از پیشینیان و از جمله شیخ آقا بزرگ تهرانی، ابتدا به شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق می‌پردازد و می‌نویسد: «آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق از شاگردان طبقه اول میرزای شیرازی در نجف بود. او در سال ۱۲۹۱ق - سالی که میرزای شیرازی از نجف به سامرا مهاجرت کرد- به سامرا مهاجرت و مدتی در آن شهر اقامت می‌کند. او بعدها به سلطان آباد وطن خویش باز می‌گردد. وی یکی از عالمان صالح و نیک بود. میرزا حسین نوری در «دارالسلام» از او یاد کرده است. میرزای نوری درباره او می‌نویسد: عالم فاضل، پرهیزکار صالح، پاک‌زیست تیز هوش آخوند حاج ملا ابوطالب سلطان آبادی که مدتی مجاور نجف اشرف بود و خداوند او را حفظ کند. گفتنی است او از نیکان عالمان و گزیده پرهیزکاران و مورد اعتماد آنان بود به من خبر داد...؛ آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی در اراک در مدرسه حاج آقا محسن (مدرسه سپهداری) تدریس می‌کرد و به اقامه نماز

→ و از جمله آستانه جزء بلوک «کزّاز» محسوب می‌شدند. لذا عالمان آن روستاها، شهرت کزازی داشتند. برای مثال در کتاب‌های تراجم از آخوند شیخ محمد اسماعیل فدایی آستانه‌ای، آخوند ملا ابوطالب آستانه‌ای متوفای ۱۳۲۹ق و ملا محمود میثمی کهرودی به کزازی یاد شده است (حسن امین، ۲۴۹/۷؛ الذریعه، ۳۰۰/۲۳؛ حسینی، ۴۰/۱).

۱. شیخ صفر علی عراقی ۱۳۰۳-۱۳۷۹ یکی از عالمان اراکی که در فیجان (روستایی در جنوب اراک) متولد شد. او در ۱۳۲۷ق به نجف مهاجرت کرد و محضر علمی مرحوم آخوند خراسانی، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی را درک کرد. او در میان اهل علم محترم و ارجمند بود. آثاری از او در فقه به جای گذاشته شده است. در روز دوشنبه دوازده ذی قعدة سال ۱۳۲۹ق از دنیا رفت و در وادی السلام دفن شد. از او فرزندی به نام شیخ محمد، باقی مانده که در نجف به تحصیل علوم دینی اشتغال داشته دارد (شیخ آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۹۵۳/۱۵).

۲. الشیخ المولی أبو طالب العراقي ...- ۱۳۲۹ من العلماء الفضلاء المصنفین کان يعرف بحاج آخوند ولد بالآستانه من قری سلطان آباد العراق و توفی (۱۳۲۹) كما وصفه و أرخه الشیخ صفر علی العراقي^۲ له حاشیه (نجات‌العباد) استدلالی تامه فی مجلدين بخطه کانت عند ولده الشیخ صالح و هی الیوم عند حفیده الشیخ یحیی بن صالح المشتغل فی قم.

جماعت می پرداخت تا اینکه از دنیا رفت. او دارای تألیفاتی بود (محسن امین، ۱۳۶۶/۲).^۱ نویسنده *اعیان الشیعه* پس از بیان شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی مذکور، به شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی دیگری نیز می‌پردازد که در اینجا اطلاعات بیشتری را از قبیل معرفی پدران، هجرت جدّ از گلپایگان به کزاز، و... ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد آیت الله مرعشی نجفی بخشی از این اطلاعات را در اختیار نویسنده *اعیان الشیعه* قرار داده است. او می‌نویسد: «آخوند حاج ملا ابوطالب عراقی کزازي فرزند ملا عبد العفور، فرزند ملا شرف علی فرزند ملا احمد گلپایگانی در سال ۱۳۲۹ ق از دنیا رفت. قبر او در قبرستان دروازه شهر جرد سلطان آباد واقع شده است. فاضل نسابه سید شهاب الدین حسینی (آیت الله مرعشی نجفی) در نامه‌ای در شرح احوال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی چنین نوشت: آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی از فقیهان عصر خویش و یکی از بزرگان سلطان آباد - یکی از شهرهای ایران - بود مدتی در نجف شاگرد شیخ انصاری بود. سپس پای درس میرزای شیرازی نشست. بعدها او به وطن خویش بازگشت و مرجع دینی مردم شد. او از شیخ انصاری، میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی اجازه روایت داشت. از او عده‌ای از جمله پدرم سید شمس الدین حسینی متوفای ۱۳۳۸ اجازه روایت گرفته‌اند. وی تألیفاتی از جمله شرحی مفصل در چند جلد بر نجات العباد - نوشته صاحب جواهر - داشته است که جلد اول آن را در قم دیده‌ام که این کتاب دلالت بر تتبع زیاد و تبحر نویسنده بر فقه دارد» (همو، ۱۳۶۷/۲).^۲

۱. المولى أبو طالب السلطان آبادي: توفى فى العشر الثانى بعد الثلاث مائة و الألف. هو من الطبقة الأولى من تلامذة السيد الميرزا محمد حسن الشيرازى أيام كان فى النجف قبل هجرته إلى سامراء و هاجر إليها سنة ۱۲۹۱ و هى سنة هجرة السيد الميرزا إليها ثم رجع إلى وطنه و بقى هناك و كان من العلماء الصلحاء الأبرار ذكر الميرزا حسين النورى فى دار السلام ما لفظه حدثنى العالم الفاضل التقى الصالح الزكى الالمعى الحاج المولى أبو طالب السلطان آبادى المجاور فى المشهد الغروى حفظه الله تعالى و هو من خيار أهل العلم و عمدتهم و زبدة الأتقياء و سندهم إلى آخر كلامه و كان يدرس فى مدرسة السيد العالم آقا محسن السلطان آبادى و يصلى فيها بأهل البلد حتى توفى و له مصنفات.
۲. الحاج ملا أبو طالب العراقى الكزازى ابن الملا عبد الغفور ابن الملا شرف على ابن الملا أحمد الجرفادقانى توفى سنة ۱۳۲۹ و قبره فى مقبرة يقال لها مقبرة دروازه شهر کرد بسلطان آباد، كتب إلينا السيد شهاب الدين الحسينى الفاضل النسابة ما لفظه: كان من فقهاء عصره و رؤساء بلده سلطان آباد المشهورة فى بلاد ايران. تلمذ فى النجف على شيخنا المرتضى ثم بعده حضر بحث الميرزا السيد محمد حسن الشيرازى، ثم رجع إلى وطنه و صار مرجعا فى الشرعيات. يروى عن شيخه بطرقهما، و عن الحاج ميرزا حبيب الله الرشتى الجيلانى. و عنه جماعة منهم والدى العلامة النسابة السيد

۴- زمینه‌های دو انگاری شخصیت سلطان آبادی

دوانگاری در تراجم و رجال پیشینه دیرینه‌ای دارد. گاه برخی تراجم نویسان و رجالیان، یک اثر و کتاب را دو تا انگاشته‌اند؛ برای مثال یکی از آثار و کتاب‌های شهید ثانی، دو اثر انگاشته شده است (افندی، ۷۵). چنانکه برخی از آنان یک نفر را دو تن انگاشته‌اند. شخصیت‌هایی نظیر احمد بن محمد سیرافی، ابن فتال نیشابوری و ابو عبد الله الحسین بوشنجی، دو تن انگاشته شده‌اند که با اقامه قرائن و شواهد از سوی عالمان، یک تن بودن آنان اثبات گردیده است (خویی، ۱۴۷/۳؛ افندی، ۲۸۹؛ همو، *ریاض الفضلاء* و *حیاض العلماء*، ۹/۲). گفتنی است در میان رجالیان و تراجم نویسان، فراوان تعبیر «اتحاد» و «اتحادهما» به کار می‌رود که بیانگر دو تن انگاری از سوی برخی و اصلاح آن توسط دیگران است (منتجب الدین رازی، ۲۸۶-۴۰۱، ۳۰۳، ۲۸۷؛ ابن اثیر، ۱۶۳/۲؛ ابن دبیثی، ۳۱۲/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۸۸/۶؛ حرّعاملی، ۱۴۶/۲، ۱۹۲، ۳۴۶). در بحث پیشین اشاره شد که اولین بار مرحوم سید حسن صدر در *تکملة امل الأمل* از سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ ق سخن گفته است. او در زیست علمی خویش ۸۰ اثر به جای گذاشت (شیخ آقا بزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعه*، ۴۴۸/۱۳؛ سبحانی، ۱۹۶/۱۴). از میان آثار علمی او، به ترتیب دانش فقه، حدیث و دانش اصول بیشترین سهم را داشته و کمترین آن متعلق به دانش تراجم است. بر این اساس اشتباه در تاریخ فوت سلطان آبادی از سوی او عادی است. لازم به یادآوری است یکی از دانشیان تراجم و رجال حدود ۵۰ اشتباه مرحوم صدر در *تکملة امل الأمل* را تذکر داده است (شپیری زنجانی، ۳۰۳/۱-۳۲۲). بعدها مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی علاوه بر سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ ق از سلطان آبادی ۱۳۲۹ ق نام برده است. به نظر می‌رسد اینکه شیخ آقا بزرگ طهرانی و به پیرو آن سید محسن امین، سلطان آبادی را دو انگاری می‌پندارند، ریشه در عوامل ذیل دارد:

۴-۱- در ۱۲۳۱ ق بود که یوسف خان گرجی، سلطان آباد (اراک) را بنا کرد. بنابراین در سال‌هایی که سلطان آبادی (متوفای ۱۳۲۰ یا ۱۳۲۹) می‌زیست، هنوز تراجم نگاران محلی - که معمولاً از دقت بیشتری برخوردارند - نگاشته‌هایی را درباره شرح حال عالمان

→ شمس الدین محمود الحسینی المتوفی سنة ۱۳۳۸ و للمترجم تألیف منها شرح کبیر علی نجاة العباد لصاحب الجواهر فی مجلدات و رأیت المجلد الأول منه ببلدة قم المشرفة يظهر منه وفور تتبعه و تبخره فی الفقه انتهى.

سلطان آباد، تدوین نکرده بودند تا بر اساس آن شیخ آقا بزرگ بتواند شرح حالی دقیق و بدون اشتباه از سلطان آبادی ارائه کند.

۴-۲- بی توجهی شیخ آقا بزرگ تهرانی به هم‌نامی، هم‌شهری، هم‌استادی، هم‌اثری و هم‌توصیفی سلطان آبادی و تکیه بر نگاشته سید حسن صدر درباره سلطان آبادی و فقدان تراجم نگاری محلی عامل دیگری بر دوانگاری سلطان آبادی است.

۴-۳- مشابهت‌های فراوان میان سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق و سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق (هم‌نامی، هم‌شهری، هم‌استادی، یکی بودن توصیف و مدح از سوی میرزا حسین نوری، یکی بودن محل بازگشت و تدریس و اقامه نماز جماعت در مدرسه و وحدت اثر و تألیف) کافی بود تا شیخ آقا بزرگ را مطمئن به یک سلطان آبادی کند؛ ولی کثرت اشتغال علمی او باعث دوانگاری سلطان آبادی شد. گفتنی است از شیخ آقابزرگ تهرانی چهل اثر علمی به‌جای مانده است. او حدود هفتاد هزار کتاب را در *الذریعه* معرفی و گاه برخی از آن‌ها را تحلیل کرد. *طبقات اعلام الشیعه* در یازده جلد، اثری دیگری از شیخ آقا بزرگ تهرانی است که حدود پنج هزار و پانصد عالم شیعی معرفی گشته است. همچنین او به دویست و بیست و شش عالم اجازه روایت داد (صفری، ۱۴۸، ۳۵۲، ۲۶۱، ۶۷۴). بر اساس این، اشتباهاتی از قبیل دو انگاری در برخی از آثار او عادی به نظر می‌رسد.

۵- بررسی شواهد و قراین در دو انگاری شخصیت سلطان آبادی

۱-۵- نویسندگان تراجم‌هایی مانند *موسوعة طبقات الفقهاء*؛ مع علماء النجف و شرح *احوال حضرت آیه الله العظمی اراکی*، آخوند ملا ابوطالب را یک تن دانسته‌اند و به همین دلیل عبارات *طبقات اعلام الشیعه* و *اعیان الشیعه* را در یکدیگر ادغام کرده و شرح واحدی از زندگی او ارائه داده‌اند (سبحانی، ۳۶/۱۴؛ غروی، ۶۶/۲؛ استادی، ۳۹)¹.

۱. گفتنی است یکی از نویسندگان عبارات *طبقات اعلام الشیعه* و *اعیان الشیعه* را در یکدیگر ادغام کرده و سال فوت آخوند ملا ابوطالب بن عبد الغفور سلطان آبادی را حدود ۱۳۲۰ ذکر کرده است (توفی قبل ۱۳۲۰ هـ) (۱۹۰۲ م) ابو طالب بن عبد الغفور بن شرف علی ابن احمد الجرفادقانی، العراقی، الکزازی، السلطان‌آبادی. فقیه، اصولی. درس فی النجف و سامراء. له تصانیف فی الفقه و الاصول، منها: شرح کبیر علی نجات العباد فی مجلدات (کحاله، ۳۰/۵). پس از کحاله نویسنده «معجم المؤلفین» تراجم نویسی دیگر دچار اشتباه مذکور نیز گردیده است (امینی، ۶۷۹/۲). اکنون به نظر می‌رسد این دو نویسنده چندان دقتی در عبارات *طبقات اعلام الشیعه* و *اعیان الشیعه* نکرده‌اند.

۲-۵- سید حسن امین فرزند سید محسن امین در شرح حال آخوند ملا ابوطالب می‌نویسد: «ابوطالب فرزند ملا عبد العفور، فرزند ملا شرف علی فرزند ملا احمد گلیایگانی کزازی سلطان آبادی که اصالة کزازی بوده است ابتدا در نجف شاگرد شیخ انصاری و میرزای شیرازی بود. او همچنین یکی از شاگردان میرزای شیرازی در سامرا بود. بعدها به سلطان آباد بازگشت و مرجع دینی مردم شد. او همچنین در اراک از ریاست بالایی برخوردار گشت. در سال ۱۳۲۹ق از دنیا رفت و در قبرستان دروازه شهرجرد اراک دفن گردید او از شیخ انصاری، میرزای شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محسن خنفر نجفی اجازه روایت داشت. از او سید شمس الدین محمود مرعشی متوفای ۱۳۳۸ق و عده‌ای از عالمان اجازه روایت داشتند. وی شرحی بر *نجاة العباد* و رساله‌ای در امامت نگاشت» (حسن امین، ۱۳۶/۶).^۱

۳-۵- شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین تصریح می‌کنند که مولی ابوطالب و آخوند ملا ابوطالب از شاگردان میرزای شیرازی بوده‌اند، در حالی که وقتی به فهرست شاگردان فاضل میرزای شیرازی مراجعه می‌شود یک تن با عنوان ملا ابوطالب سلطان آبادی بیشتر معرفی نشده است (صدر، ۳۰۹/۶-۳۰۸). به نظر می‌رسد اگر دو ملا ابوطالب سلطان آبادی، که شاگرد میرزای شیرازی نیز بوده‌اند، وجود خارجی داشت، در فهرست شاگردان میرزای شیرازی به دومی نیز اشاره می‌شد.

۴-۵- شیخ آقا بزرگ تهرانی در سال ۱۳۳۳ق کتابی در شرح حال میرزای شیرازی به نام «هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» نگاشت (شیخ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ۱۵۴/۴، ۳۶۷)، در این کتاب قریب به سیصد و شصت نفر از شاگردان میرزای شیرازی معرفی گردیده است (همو، ۳۶۷/۴؛ حبیب آبادی، ۸۸۸/۳)، او، آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق را در زمره شاگردان میرزای شیرازی معرفی کرده و سپس تمجید میرزای نوری از وی را یاد آورده است (شیخ آقا بزرگ تهرانی، *میرزای شیرازی*، ۱۰۱-۱۰۲). شیخ آقا بزرگ تهرانی در این کتاب، هیچ اشاره‌ای به یکی از شاگردان

۱. أبو طالب بن غفور بن شرف علی بن أحمد الجربادقانی الکزازی السلطان آبادی الیراکی أصله من «کزاز» (ایران)، تتلمذ أولاً فی النجف الأشرف علی الشیخ مرتضی الأنصاری ثم علی المیرزا حسن الشیرازی فی النجف و سامراء، ثم عاد إلی سلطان آباد (أراک) و صارت له بها المرجعية و الرئاسة التامة. و توفي فی أراک سنة ۱۳۲۹ و دفن بمقبرة تعرف بدروازه شهر پرد من مدینة أراک له إجازة الروایة من شیخیه المذكورین و المیرزا حبیب الله الرشتی و الشیخ محسن خنفر النجفی، و یروی عنه جماعة منهم السید شمس الدین محمود المرعشی المتوفی سنة ۱۳۳۸ له شرح *نجاة العباد* و رساله فی الامامة.

میرزای شیرازی به نام آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق نکرده است. گفتنی است اگر چنین شخصیتی وجود خارجی داشت، بدون شک شیخ آقا بزرگ تهرانی به او اشاره می‌کرد، در حالی که برخی از شاگردان میرزای شیرازی که اراکی و به مراتب گمنام‌تر از آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق قمری بودند، مورد اشاره قرار گرفته است. برای مثال از ملا علی سلطان آبادی و شیخ محمود سلطان آبادی به عنوان شاگردان میرزای شیرازی یاد شده است (همو، ۱۹۳، ۱۶۵).

۵-۵- در کتاب‌های تراجم به پدران، فرزندان و نوادگان آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق اشاره شده است، درحالی‌که درباره مولی ابوطالب متوفای حدود ۱۳۲۰ق چنین اشاراتی نشده است. اگر اینان، دوتن و از شاگردان میرزای شیرازی نیز بودند، تراجم‌نگاران به یقین به پدر، فرزند یا فرزندان آن دیگری نیز اشاره می‌کردند. به عبارت دیگر؛ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اولین تراجم نگاری که از ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق سخن گفته، مرحوم سید حسن صدر و بعد از او شیخ آقا بزرگ تهرانی است. این دو، ملا ابوطالب متوفای حدود ۱۳۲۰ق را با ویژگی‌هایی ذیل توصیف می‌کند:

الف. یکی از شاگردان طبقه اول میرزای شیرازی در نجف بود.

ب. در سال ۱۲۹۱ق که میرزای شیرازی به سامرا مهاجرت کرد، او نیز همراه سید حسن صدر بود.

ج. از عالمان صالح و نیکان روزگار بود. میرزا حسین نوری او را تمجید و از وی به عنوان یکی از نیکان اهل علم و گزیده پرهیزکاران یاد کرد.

د. در مدرسه حاج آقا محسن (سپهداری، امام) تدریس می‌کرد و در مسجد آن مدرسه، مردم شهر به او اقتدا می‌کردند.

ه. او از عالمانی است که در میان عوام و خواص موجه و مورد اعتماد بود.

و. دارای تألیفاتی است.

با این ویژگی‌ها، احتمال اینکه یکی (سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ق) گمنام و دیگری (سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق) برخوردار از شهرت، دوتن بوده باشند، بعید به نظر می‌رسد. همچنین این پرسش مطرح هست که چرا تراجم‌نگاران خاندان‌های اراکی از قبیل علی اکبر خاکباز در «خاندان محسنی اراکی»، چنگیز امینی حاج باشی در «یاد نیاکان»، عزت‌الله بیات در «خاطراتم، خاندانم» و از همه مهم‌تر دهگان در آثار خویش، از

چنین شخصیتی با ویژگی‌های مطرح شده و همین‌طور از پدر، فرزند یا فرزندان او سخنی نگفته‌اند؟ زیرا اگر چنین شخصیتی با ویژگی‌های مذکور وجود خارجی داشت، بدون شک از او یاد می‌شد.

۵-۶- دهگان ۱۳۰۷ق-۱۳۶۳ش نویسنده و متخصص تاریخ اراک^۱ صرفاً به یک آخوند ملا ابوطالب اشاره می‌کند و می‌نویسد: «حاج ملا ابوطالب پسر مرحوم ملا غفوربن ملا تراب از مردم آستانه، متولد حدود ۱۲۵۰ و متوفای ۱۳۲۹قمری از اصحاب شیخ و مهاجرین اول بسامرا یعنی جزء اولین دسته است که از نجف اشرف به‌مراهی مجدد شیرازی حاج میرزا حسن راه سامرا را پیش گرفتند. در حوالی ۱۳۰۵ مراجعت بعراق نمود. از آثار کتبی آن مرحوم شرحی است که بر *نجات العباد* نوشته در سه جلد یک جلد آن را داده است پاکنویس کرده‌اند ولی دو جلد آن بخط خود اوست. چون شیوه مخصوصی داشت تقریباً غیر مقروء به نظر می‌رسد. فامیل آن مرحوم به ابوطالبی معروفند.» (دهگان، *گزارشنامه ...*، ۲۹ - ۲۸).

۵-۷- با توجه به اینکه شیخ آقا بزرگ تصریح می‌کند که ملا ابوطالب متوفای قبل از ۱۳۲۰، اصالتاً کزازی بوده و همچنین سید محسن امین در شرح حال آخوند ملا ابوطالب متوفای ۱۳۲۹ به کزازی بودن او اشاره می‌کند، اگر ملا ابوطالب دو نفر بودند حتماً دهگان به این نکته توجه می‌دادند.

۵-۸- ابراهیم دهگان از معاصران با آخوند ملا ابوطالب متوفای ۱۳۲۰ق بود. او رویدادهای سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۱۸ را یادآور می‌شود (دهگان، *کارنامه ...*، ۲۱۷-۲۱۵) با اینکه او گاهی رویدادهای نه چندان مهم را نیز ذکر کرده است، ولی به فوت آخوند ملا ابوطالب متوفای حدود ۱۳۲۰ در فاصله سال‌های مذکور هیچ اشاره نکرده است. اگر چنین شخصیتی وجود خارجی داشت، فوت او یکی از رویدادهای مهم بود که از آن یاد

۱. ابراهیم دهگان بخشی از اطلاعات را از خاندان‌ها بدست می‌آورد (دهگان، *کارنامه ...*، ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۸۷). بخشی از اطلاعات و آگاهی‌ها در باره عالمان و شاعران را از طریق آثار آنان که در اختیارش بوده و یا در اختیار وارثان متوفی بوده و او آن‌ها را مشاهده و ملاحظه کرده تأمین کرده است (همو، ۲۰۸؛ ۲۵۳؛ ۲۵۹؛ *فقه اللغه*، ۲۵۹، ۲۶۰). مرحوم در کار خود بسیار دقیق بود چنان که خانه پدری برخی از مترجمان را آدرس می‌دهد (همو، *کارنامه تاریخی انجدان و اراک*، ۲۶۱). او برخی از معاریف اراک و حومه را شخصاً ملاقات کرده است و محضر علمی آنان را درک کرده است (همو، ۱۰۳؛ *فقه اللغه*، ۸۸). برخی از رجال تأثیر گذار را در اراک دیده است چنان که عین الدوله قاجار را در اراک چندین بار ملاقات کرده است. (همو، *کارنامه تاریخی انجدان و اراک*، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۳).

می‌شد. به عبارت دیگر؛ هیچ نشانی از عالم مذکور در رویدادهای اراک در سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۲ دیده نمی‌شود.

۹-۵- صدیق نیز در معرفی نامداران اراک، یک آخوند ملا ابوطالب را بیشتر معرفی نکرده است (صدیق، ۲۲۸). اگر ملا ابوطالب دیگری که متوفای ۱۳۲۰ بوده و میرزای حسین نوری هم او را تمجید کرده و آثار علمی و سالیانی نیز در مدرسه سپهداری به تدریس اشتغال داشته است، حتماً صدیق او را نیز معرفی می‌کرد.

۱۰-۵- در *تکملة امل الأمل، اعیان الشیعه و طبقات اعلام الشیعه* مرقوم است که ملا ابوطالب در مدرسه حاج آقا محسن (مدرسه سپهداری) تدریس می‌کردند. اگر ملا ابوطالب که در این مدرسه تدریس می‌کردند دوتن بودند، در یادداشت‌های آیت الله اراکی - که آیت الله استادی آن را تنظیم کرده و همراه با مطالبی دیگر با نام «شرح احوال حضرت آیه الله العظمی اراکی» منتشر نموده است - و آثار ابراهیم دهگان به این مطلب اشاره می‌شد.

۱۱-۵- شیخ آقا بزرگ در *الذریعه* در بخش معرفی شرح *نجاه العباد* تألیف آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی می‌نویسد: «این شرح مفصل تا مبحث وضو گرفتن در ظرف طلا و نقره نگاشته شده است. نویسنده کتاب مذکور، آخوند ملا ابوطالب کزازی فرزند ملا غفور آستانه‌ای سلطان آبادی است. او ابتدا شاگرد شیخ انصاری بود. سپس از شاگردان میرزای شیرازی شد. در عراق عجم مرجع دینی مردم شد تا این که در ۱۳۲۹ ق از دنیا رفت. در ابتدای کتاب او در مبحث طهارت چنین آمده است: «حمد مخصوص خداوند بخشنده‌ای است که منت نمی‌گذارد. خدایی که روح و جان انسان‌ها را با اعطاء خرد تکمیل کرد...» (شیخ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۱/۱۴، ۱۰۱).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، شیخ آقا بزرگ در *طبقات اعلام الشیعه* از دو آخوند ملا ابوطالب سخن می‌گوید آن هم با داشتن شرح *نجاه العباد*؛ ولی در *الذریعه* در ذیل شروح *نجاه العباد* صرفاً از شرح *نجاه العباد* آخوند ملا ابوطالب بن ملاغفور متوفای ۱۳۲۹ ق یاد می‌کند و دیگر از شرح *نجاه العباد* ملا ابوطالب متوفای حدود ۱۳۲۰ ق سخنی به میان نمی‌آورد.

۱. إلی الأوانی، مجلد کبیر للحاج المولی أبی طالب الکزازی ابن المولی غفور الأستانة السلطان آبادی، من تلامیذ العلامة الأنصاری ثم المجدد سیدنا الشیرازی، و صارت له المرجعية فی العراق أخیراً و توفی سنة ۱۳۲۹ مجلد الطهارة منه أوله: (الحمد لله الواهب من غیر ممن، و مکمل النفوس بالعقول بعد رکونها بالبدن ...) یوجد عند بعض أحفاده المؤلف.

۱۲-۵- آیت الله مرعشی نجفی که متخصص انساب و تراجم نگاری بودند در مقدمه نجات العباد اشاره می‌کند که پدرش سید محمود مرعشی از آخوند ملا ابوطالب بن ملا غفور جرفادقانی شاگرد شیخ انصاری و میرزای شیرازی که در سال ۱۳۲۹ق از دنیا رفت اجازه روایت گرفته است (ملا ابو طالب سلطان آبادی، ۴/۱)؛ ولی به هم‌نام او که متوفای حدود ۱۳۲۰ق است، اشاره‌ای نمی‌کند.

۱۳-۵- شریف رازی از تراجم‌نگاران عالمان حوزوی در شرح حال عالمان اراک به شرح حال آیت الله حاج شیخ یحیی ابوطالبی از نوادگان آخوند ملا ابو طالب سلطان آبادی می‌پردازد. او به مناسبتی به شرح حال آخوند ملا ابو طالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق اشاره می‌کند (شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ۳/۵۶-۵۵)؛ ولی از آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق یاد نکرده است.

۱۴-۵- آیت الله استادی از تراجم‌نگاران معاصر، عالمان اراکی را که پیش از ورود مرحوم آیت الله حائری در اراک می‌زیسته‌اند در کتابی موسوم به «شرح احوال حضرت آیه الله العظمی اراکی» معرفی کرده است. از میان آنان به شرح حال آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۹ق مبادرت کرده (استادی، ۳۹)؛ ولی به آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق اشاره‌ای نکرده است.

۱۵-۵- برخی تراجم‌نگاران از حمایت آخوند ملا ابوطالب متوفای ۱۳۲۹ق از نهضت مشروطیت، صدور فرمان جهاد از سوی او جهت مقابله با اشرار و واکنش متین او در برابر عالم دیگری که مخالف عقیده او بود، یاد کرده‌اند (دهگان، گزارشنامه...، ۲۸)؛ استادی، ۳۹)؛ ولی از آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای ۱۳۲۰ق در رویدادهای سلطان آباد هیچ‌یادی نشده است. به نظر می‌رسد اگر سلطان آبادی وجود خارجی داشت به موضع او در رویدادهای شهر اشاره‌ای می‌شد.

نتیجه

متن بررسی نشان داد که علم رجال و تراجم نگاری هم‌پای سایر علوم، نظیر: تاریخ، فقه، حدیث و تفسیر در تمدن اسلام رشد و گسترش یافت. در راستای تنوع و گستردگی دانش رجال نویسی و تراجم نگاری که موضوع بررسی این پژوهش بود، خواسته و یا ناخواسته آسیب‌هایی نیز در این دانش پدید آمد که از میان این آفت‌ها دو مورد در این نوشتار بررسی شد؛ نخست مربوط به اشتراک لفظی در تدوین زندگی برخی از چهره‌های تاریخی بود. در اشتراک لفظی برخی از ویژگی‌ها، اوصاف و اعمال یکی را به هم‌نام

دیگری نسبت می‌دهند. نکته مهم این است که در اشتراک لفظی دو فرد وجود خارجی دارند و تراجم نگار به اشتباه برخی از ویژگی‌ها را به دیگری نسبت می‌دهد. نمونه‌هایی در این زمینه معرفی شد که چگونه این هم‌نامی باعث اشتباه سهوی تراجم‌نگار شده است. البته با نگرش انتقادی و بررسی‌های مبتنی بر هویت‌یابی افراد با رویکرد زمانی و تکیه بر شواهد و قراین در اصلاح اشتباهات پیش آمده، اهتمام شد.

نکته مهم دیگری که مسئله اساسی این پژوهش قرار داشت به دو انگاری یک شخصیت باز می‌گشت. به احتمال، برخی تراجم‌نگاران با نگرشی سهل‌انگارانه دو شرح احوال را برای یک نفر تدوین کرده‌اند و در قالب دو فرد در نوشتار خود گنجانده‌اند. در حالی که در عینیت تاریخی، یک فرد بیشتر وجود نداشته است. همان‌گونه که ملاحظه شد، آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین در دو اثر تراجم‌نگاری خود گرفتار این اشتباه سهوی شده‌اند. احتمالاً، آن‌ها تحت تاثیر برخی نوشته‌های پیشینی و برخی قراین غیرمنطبق شرح احوال چهره‌ای دینی به نام ملا ابوطالب سلطان آبادی را در قالب دو زندگی‌نامه بررسی و درج کرده‌اند. در بررسی آن‌ها، یکی از زندگی‌نامه‌ها با مرگ شخصیت مورد نظر به سال ۱۳۲۰ ق پایان می‌یابد و شخصیت دیگر متوفی به سال ۱۳۲۹ قمری است. در حالی که شرح احوال هر دو تقریباً یکسان است. با بررسی آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و مقایسه آن‌ها با تراجم‌نگاری‌های محلی مشخص گردید که در سلطان آباد شخصی به نام آخوند ملا ابوطالب سلطان آبادی متوفای حدود ۱۳۲۰ ق وجود خارجی نداشته و در واقعیت تاریخی، تنها یک ملا ابوطالب سلطان آبادی در این شهر حضور داشته که او هم متوفای سال ۱۳۲۹ ق است و مقبره وی هم اکنون در این شهر وجود دارد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
 ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، بیروت: بی نا، بی تا.
 ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
 ابن دبیثی، محمد بن سعید، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷.
 اراکی، ملا ابوطالب، *شرح نجات العباد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
 استادی، رضا، *شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی*، اراک: انجمن علمی فرهنگی و هنری استان مرکزی، ۱۳۷۵.

- افندی، عبد الله بن عیسی بیگ، *تعليقة أمل الآمل*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.
- همو، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، بی تا.
- امین، حسن، *مستدرکات اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۸ق.
- امین، محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
- امینی، محمد هادی، *معجم رجال الفكر و الادب فی النجف*، بی جا: بی تا، ۱۴۱۳ق.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *میرزای شیرازی*، ترجمه اداره کل تبلیغات و انتشارات، بی جا: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳.
- همو، *النذریة إلى تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
- همو، *طبقات أعلام الشیعه*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
- تابنده، حسین، *نابغه علم و عرفان*، تابان، تهران: ۱۳۵۰.
- چهاردهی، نورالدین، *سلسله های صوفیه در ایران*، تهران: بتونک، ۱۳۶۰.
- حسن بگی (حسن بیگی)، *علی، گنابادیه*، قم: سبط النبی، ۱۳۸۵.
- همو، علی، *آسیب شناسی نقد و تحلیل تاریخ*، اراک: دانشگاه اراک، ۱۳۹۶.
- همو، «رهزنی اشتراک لفظی»، *دو فصلنامه کتاب شیعه*، ش ۱۳ و ۱۴، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۷.
- حسینی، احمد، *تراجم الرجال*، قم: کتابخانه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۴ق.
- حیدر، اسد، *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۳ق.
- خسروپناه، عبد الحسین، *جریان شناسی ضد فرهنگها*، تهران: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *الکفایه*، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
- خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- دهگان، ابراهیم، *کارنامه تاریخی انجدان و اراک*، اراک: دانش کیان، ۱۳۹۶.
- همو، *گزارشنامه یا فقه اللغة اسامی امکنه*، اراک: چاپ خانه موسوی، ۱۳۴۲.
- شرف الدین، عبد الحسین، *المراجعات*، بیروت: مؤسسه الاعلمی، بی تا.
- شریف رازی، محمد، *آثار الحجّة*، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الكتاب، بی تا.
- همو، *گنجینه دانشمندان*، تهران: کتابفروشی اسلامی، بی تا.
- شیرازی، محمد معصوم، *طرائق الحقائق*، تهران: کتابخانه سنایی، بی تا.
- صدر، حسن، *تکملة أمل الآمل*، با تحقیق محفوظ، حسینعلی، بیروت: دار المؤرخ العربی. بی تا.
- صفری، علی اکبر، *شیخ آقابزرگ تهرانی*، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰.
- طوسی، محمد بن الحسن، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- غروی، محمد، *مع علماء النجف الأشرف*، بیروت: دار الثقلمین، ۱۴۲۰ق.

کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ق
مجمع الفكر الاسلامی، موسوعة مؤلفی الامامیه، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، تهران: کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹.
معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ۱۳۷۴.
منتجب الدین رازی، علی بن عبیدالله، الفهرست، قم: کتابخانه آیت الله العظمی المرعشی
النجفی، بی تا.
صدیق، حسن، نامداران اراک، اراک، بی جا: بی نا، ۱۳۷۲.
نوری، حسین، دار السلام فیما يتعلق بالرؤیا والمنام، قم: المعارف الاسلامیه، بی تا.
نویسندگان، زیر نظر سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه الإمام الصادق
(علیه السلام)، ۱۴۱۸ق.
واحدی، تقی، از کوی صوفیان تا حضور عارفان، بی جا: مؤلف، ۱۳۷۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی